

و صف خودبه خود تصفیه شونددگی در گستره اعتبارات اسنادی و

ضمانت نامه های بانکی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و رویه تجاری بین المللی)

(نوع مقاله، علمی - پژوهشی)

مجید مسین زاده*

مجتبی ممدی^۱

چکیده

نحوه پرداخت و نحوه تضمین تعهدات در قراردادهای بین المللی از اهمیت زیادی برخوردار است و در مبادلات بین المللی به ندرت قراردادی را می توان یافت که در خصوص نحوه پرداخت و تضمین شرطی نداشته باشد. در این خصوص اعتبارات اسنادی تجاری یکی از رایج ترین راهبردهای پرداخت در قراردادهای بین المللی محسوب می گردد و ضمانت نامه های بانکی و اعتبارات اسنادی تضمینی نیز رایج ترین راهبردهای تضمین ایفای تعهدات قراردادی هستند که بانک در هر دو نقش مهم و فعالی دارد. در اعتبارات اسنادی تجاری، کالا به عنوان وثیقه در اختیار بانک قرار می گیرد و بانک می تواند در صورت قصور متقاضی نسبت به فروش آن اقدام نماید، اما در ضمانت ها ممکن است کالایی در میان نباشد، از این رو، بانک از امتیاز وصول مطالبات خود از طریق فروش کالا محروم است که بانک را با خطر عدم وصول مطالبات مواجه می کند. این ویژگی که بانک امکان بازپرداخت مطالبات خود را از محل فروش کالای موضوع قرارداد بیع پیدا می کند، «وصف خودبه خود تصفیه شونددگی» می تواند نامیده شود. آنچه در این مقاله موضوع بررسی قرار خواهد گرفت این است که جایگاه و ماهیت این وصف در اعتبارات اسنادی چگونه است و جریان این وصف چه آثاری در پی خواهد داشت.

کلیدواژه ها: اعتبار اسنادی تجاری، اعتبار اسنادی تضمینی، ضمانت نامه بانکی، خودبه خود

تصفیه شونددگی.

*. دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Email: hoseinzadeh1989@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری حقوق تجارت و سرمایه گذاری بین المللی دانشگاه شهید بهشتی

Email: mohammadi279@yahoo.com

2.Liquidation.

امروزه در کنار قرارداد بیع سنتی، قراردادهایی رایج شده‌اند که «بیع اسنادی»^۱ نام دارند. در کنار قرارداد حمل کالا، حسب توافقات بین خریدار و فروشنده و با توجه به الزامات قانونی کشورهای واردکننده و صادرکننده، توافقی‌های دیگری در خصوص بیمه، بازرسی و غیره نیز به عمل می‌آید که در این صورت قرارداد بیع به همراه اسنادی همچون سند حمل، سند بیمه، گواهی بازرسی و غیره خواهد بود. اما استفاده از این اسناد صرفاً به دلیل سهولت انعقاد قرارداد نیست، بلکه عرف تجاری به تدریج موضوعیت خاصی به این اسناد بخشیده است و موجب تمایز بیع اسنادی از بیع سنتی شده است. به گونه‌ای که اسناد حمل، معرف مالکیت کالا هستند و این اسناد در اختیار هر شخصی که باشد می‌تواند نسبت به تحویل گرفتن کالا از متصدی حمل اقدام نماید. اسناد حمل کالا در حوزه اعتبارات اسنادی تجاری نقشی کلیدی دارند، به گونه‌ای که بانک صرفاً بر اساس قرارداد اعتبار اسنادی و خصوصاً اسناد حمل اقدام می‌نماید و با در اختیار داشتن اسناد حمل، استیلای خود را بر کالا تا زمان بازپرداخت مطالبات خود حفظ می‌کند. اما در حوزه ضمانت‌نامه‌های بانکی وضعیت به گونه‌ای متفاوت است و اصولاً اسناد حملی وجود ندارد تا بانک با استفاده از آن استیلایی بر کالا داشته باشد. حال مسئله‌ای که با آن مواجه می‌شویم این است که در ضمانت‌نامه‌ها، بانک‌ها اسناد حمل را به عنوان وثیقه در اختیار ندارند تا بتوانند با فروش کالا به مطالبات خود دست‌یابند و این امر بانک‌ها را با ریسک جدی عدم بازپرداخت مطالبات ناشی از ضمانت‌نامه‌ها قرار می‌دهد. به طوری که بخش عمده‌ای از مطالبات بانک‌ها را در حال حاضر مطالبات بازپرداخت نشده ناشی از ضمانت‌نامه‌های بانکی تشکیل می‌دهند. از طرفی در فرآیند اعتبارات اسنادی نیز در صورت تقلب نسبت به کالا، این حق وثیقه بانک از میان می‌رود. اگرچه اعتبارات اسنادی به عنوان «شریان زندگی تجارت» توصیف شده‌اند، اما تقلب در این حوزه نیز به مثابه «سرطان تجارت بین‌المللی» تلقی شده است (kono, hiscock, & reich, 2017: 61).

1. Documentary Sale

مشکل فوق به راهی برای اشخاص سودجو بدل شده است تا در خلأ حق وثیقه بانک در ضمانت‌نامه‌های بانکی، این اشخاص اموال بانک‌ها را به تاراج برند.

بر اساس آنچه مطرح شد سؤال اصلی تحقیق این است که در ضمانت‌نامه‌های بانکی با توجه به فقدان استیلای بانک بر اسناد حمل کالا چه راهکاری باید اندیشید که خلأ ناشی از عدم امکان بازپرداخت مطالبات بانک‌ها را جبران کند؟ فرضیه‌ای که می‌توان ارائه نمود این است که بانک‌ها هنگام صدور ضمانت‌نامه، ریسک قرارداد پایه را با دقت بیشتری بررسی نمایند.

ساماندهی تحقیق بدین صورت است که ابتدا در جریان بحث در مورد نحوه کارکرد اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌ها به این موضوع خواهیم رسید که بانک‌ها در صورت بدعهدی متقاضی اعتبار اسنادی یا ضمانت‌نامه چطور اقدام به وصول مطالبات خود خواهند نمود؛ در خلال این مباحث نسبت به معرفی حق وثیقه بانک‌ها نسبت به کالای موضوع قرارداد خواهیم پرداخت و در مورد مفهوم، جایگاه و آثار آن بحث خواهیم کرد. لذا در قسمت اول تحقیق، مفهوم و جایگاه وصف خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی به صورت مستقل در اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌ها بررسی می‌شود. سپس آثار جریان یا عدم جریان این وصف در اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌ها بررسی خواهد شد.

۱. بررسی مفهوم و جایگاه خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های اعتبارات اسنادی تجاری با ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبارات اسنادی تضمینی این است که اعتبارات اسنادی راهبرد پرداخت ثمن در قرارداد بیع هستند، ولی ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبارات اسنادی تضمینی، راهبرد تضمین ایفای تعهدات قراردادی هستند. با توجه به این که در ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبارات اسنادی لزوماً کالایی به‌عنوان موضوع قرارداد وجود ندارد، لذا شایسته است به صورت جداگانه به بررسی مفهوم و جایگاه خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی در اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌ها بپردازیم.

۱-۱. بررسی مفهوم و جایگاه خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی در گستره اعتبارات اسنادی

برحسب این که پرداخت ثمن در قرارداد بیع هم‌زمان با تسلیم کالا باشد یا نسبت به آن تقدم یا تأخر داشته باشد، روش‌های پرداخت ثمن را در تجارت بین‌الملل به پنج نوع تقسیم‌بندی نموده‌اند که عبارت‌اند از: ۱- «پرداخت از قبل»^۱؛ ۲- «پرداخت بعدی»^۲؛ ۳- «وصول اسنادی»^۳، ۴- «اعتبار اسنادی»^۴ و ۵- «تعهد به پرداخت بانکی»^۵ (شیروی، ۱۳۹۸: ۲۴۰).

مهم‌ترین دغدغه فروشنده و خریدار در دادوستدهای بین‌المللی خطر ناشی از عدم اجرای هم‌زمان تعهدات قراردادی است و در بین روش‌های پرداخت، اعتبار اسنادی به‌صورت کامل این دغدغه را برطرف نموده است و به همین دلیل استفاده از اعتبار اسنادی در قراردادهای بیع بین‌المللی رایج‌ترین روش پرداخت محسوب می‌گردد (Jones, 2018: 195). مطابق تعریفی که در ماده ۲ «مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی» که به‌عنوان نشریه ۶۰۰ اتاق بازرگانی بین‌المللی منتشر شده است، منظور از اعتبار اسنادی، تعهد قطعی و برگشت‌ناپذیر بانک گشاینده نسبت به پذیرش پرداخت اسناد ارائه‌شده طبق شرایط اعتبار است (ICC Uniform Customs and Practice for Documentary Credits, No 600, 2007 Revision).

همان‌طور که گفتیم در قراردادهای بیع بین‌المللی خریدار و فروشنده خود را با این خطر مواجه می‌بینند که در صورت ایفای تعهد خود، طرف دیگر از ایفای تعهد خودداری نماید. اعتبار اسنادی روشی است که از طریق آن خریدار و فروشنده تعهدات خود را به‌صورت هم‌زمان ایفا می‌کنند و ریسک عدم ایفای تعهدات قراردادی از دوش طرفین قرارداد برداشته می‌شود (Jones, Op.Cit: 195). مکانیسم کارکردی اعتبار اسنادی به این صورت است که خریدار و فروشنده ابتدا در قرارداد خود در خصوص استفاده از روش پرداخت با اعتبار اسنادی توافق می‌کنند (Ibid:197) که به این

1. Pay in advance
2. Open account
3. Documentary collection
4. Documentary credit
5. Bank payment obligation

توافق، «قرارداد پایه» می‌گویند. در ضمن این توافق معمولاً طرفین در خصوص شرایط گشایش اعتبار نیز با یکدیگر توافق می‌کنند. متعاقباً خریدار از بانکی واقع در کشور خود تقاضای گشایش اعتبار اسنادی می‌نماید. بر اساس توافق بین خریدار و فروشنده، فرم تقاضانامه اعتبار توسط خریدار تنظیم و به بانک خریدار ارائه می‌گردد که در صورت ایجاد توافق بین خریدار و بانک، «قرارداد گشایش اعتبار» منعقد می‌گردد (Bhogal & Trivedi, Op.Cit: 41). در ضمن این قرارداد بین متقاضی و بانک توافق می‌گردد که در موعد مقرر، متقاضی وجه اعتبار را به همراه کارمزد و سایر هزینه‌ها به بانک پرداخت نماید. در نتیجه بانک اعتباری را به نفع فروشنده گشایش نموده و مستقیماً یا از طریق بانکی که در کشور فروشنده قرار دارد به فروشنده ابلاغ می‌نماید. فروشنده مکلف است اسنادی را که در متن اعتبار مشخص شده فراهم نموده و به بانک ابلاغ‌کننده ارائه نماید. مطابق ماده ۹ مقررات UCP600 بانک ابلاغ‌کننده‌ای که تأییدکننده نباشد، اعتبار را بدون این که تعهدی در پذیرش پرداخت داشته باشد، ابلاغ می‌کند. در نهایت اسناد حمل از طریق بانک واقع در کشور خریدار در اختیار وی قرار گرفته و خریدار با ارائه اسناد به متصدی حمل، کالای موضوع قرارداد را تحویل می‌گیرد. (لنگریج، پیشین، صص ۵۰-۴۳)

همان‌طور که بحث شد پس از این که فروشنده اسناد مطابق با شرایط اعتبار را ارائه نمود، بانک اقدام به پرداخت وجه اعتبار نموده و فروشنده به هدف خود که همانا دریافت ثمن قرارداد است نائل می‌گردد، در این مرحله بانک برای وصول مطالبات خود باید به خریدار مراجعه کند. لذا یکی از کارکردهای اعتبار اسنادی این است که خطر عدم پرداخت وجه توسط خریدار را از دوش فروشنده برداشته و بر عهده بانک گشاینده قرار می‌دهد. لذا مبرهن است که بانک با خطر عدم پرداخت وجه از ناحیه خریدار روبه‌رو می‌باشد. (Jones, Op.Cit:215) منطقی است راهکاری باید ارائه گردد که خطری که بر عهده بانک گشاینده قرار گرفته است کاهش یابد. با توجه به این که پس از پرداخت وجه اعتبار، اسناد حمل کالا در اختیار بانک قرار دارند، بانک باید با استفاده از این امتیاز خود به طریقی اسناد حمل را در اختیار متقاضی قرار دهد که کمترین میزان ریسک عدم پرداخت مطالبات را متوجه خود سازد. نظر به این که تا زمانی که خریدار اسناد حمل را در اختیار نداشته باشد، نمی‌تواند بر کالای موضوع قرارداد استیلا پیدا کند، لذا بر اساس قرارداد، بانک در

مقابل خریدار، اسناد حمل را به‌عنوان وثیقه در اختیار می‌گیرد تا امکان بازپرداخت مطالبات خود را داشته باشد (Jones, Op.Cit: 216). در نظام حقوقی ایران مطابق با بند ۱-۳ «مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی-بخش اول- واردات کالا و خدمات» میزان پیش‌دریافت برای واردات کالا و خدمات در روز گشایش اعتبار اسنادی حداکثر به میزان ۳۰ درصد ریالی مبلغ اعتبار تعیین می‌شود. علاوه بر پیش‌دریافت، مطابق بند ۳-۳ دستورالعمل فوق، بانک موظف است، به هنگام گشایش اعتبار اسنادی نسبت به دریافت پوشش کافی به‌منظور حصول اطمینان از وصول بقیه وجه اعتبار اسنادی بنا به اعتبار متقاضی و به تشخیص و مسئولیت خود اقدام نماید، اما با توجه به این‌که تشخیص میزان وثایق به عهده بانک است، عرفاً میزان این وثایق معمولاً حدود یک‌سوم مبلغ اعتبار است (مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی-بخش اول- واردات کالا و خدمات: ۱۳۹۶).

پس از اینکه خریدار و فروشنده در قرارداد بیع خود توافق به استفاده از اعتبارات اسنادی به‌عنوان روش پرداخت نمودند، خریدار باید با بانکی در کشور خود قراردادی در خصوص نحوه گشایش اعتبار اسنادی منعقد نماید و حسب تعهداتی که در قرارداد خود با فروشنده برعهده‌گرفته اقدام کند. در واقع گشایش اعتبار اسنادی به‌عنوان شرط فعل ضمن عقد بیع بر عهده خریدار قرار می‌گیرد. مفاد این شرط فعل همانا تقاضای گشایش اعتبار اسنادی است. لذا خریدار وارد قرارداد دیگری با بانک واقع در کشور خود می‌گردد که این قرارداد نیز آثار و احکام خاص خود را دارد. همان‌طور که در قسمت قبل توضیح دادیم، بانک برای این‌که امکان بازپرداخت مطالبات خود را از خریدار داشته باشد، اسناد حمل را به‌عنوان وثیقه در اختیار خود نگاه می‌دارد. لذا در مرحله انعقاد قرارداد گشایش اعتبار اسنادی بانک باید با خریدار در خصوص حق خود مبنی بر وثیقه گرفتن اسناد حمل توافق کند که اختیار فروش کالای موضوع قرارداد نیز از لوازم این شرط ضمن عقد است.

این ویژگی که بانک امکان بازپرداخت مطالبات خود را از محل فروش کالای موضوع قرارداد بیع پیدا می‌کند، «ماهیت خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی»^۱ نامیده می‌شود (دریس کول، ۱۳۶۳: ۱۳۴). این

1. Self-liquidating or Self-Collateralized Nature

وصف در راستای حمایت از ذینفع قرارداد و راهکاری جهت اجتناب از اقامه دعوای حقوقی از جانب بانک گشاینده اعتبار علیه متقاضی در مراجع قضایی می‌باشد. در وهله اول با دقت در فرآیند تحقق خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی می‌بایست این نکته را مدنظر قرار داد که وصف خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی نه در اثر یک واقعه حقوقی بلکه در اثر یک عمل حقوقی ایجاد می‌شود که این عمل حقوقی مبتنی بر اراده انشایی اصحاب سند اعتباری و بعضاً اطراف قرارداد پایه سند اعتباری می‌باشد و قطعاً بدون دخالت اراده طرفین، این وصف محقق نمی‌گردد. لذا قواعد عمومی صحت اعمال حقوقی در اینجا نیز جاری خواهد بود.

بر اساس آنچه مطرح شد وصف خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی در اثر یک عمل حقوقی ایجاد می‌شود. با این حال، در خصوص ماهیت و فرآیند تحقق وصف خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی باید بیان داشت دو نظریه قابلیت طرح و بررسی دارد؛ نظر اول این که در این موارد اختیار بانک گشاینده در وصول طلب خود از محل کالاهای موضوع سند اعتباری ناشی از وکالت‌نامه‌ای صریح یا ضمنی و در قالب شرط نتیجه است که در دل عقد پایه یا در ضمن عقد ناظر بر تحقق وصول وجه از طریق سند اعتباری محقق می‌شود، اما باید توجه داشت که این شرط نتیجه عملاً یک شرط نتیجه معلق است که اگرچه منجزاً واقع گردیده است، اما ترتب اثر بر آن منوط به بدعهدی متقاضی اعتبار و عدم اجرای تعهد خود در برابر بانک گشاینده اعتبار می‌باشد. نظر دوم این که اختیار بانک گشاینده برای وصول مطالبات خود از محل کالاهای موضوع سند اعتباری مبتنی بر ایقاع و بر اساس اراده یک‌جانبه بانک گشاینده می‌باشد. توضیح این که قانون‌گذار یا عرف، این اختیار یک‌جانبه معلق را برای بانک گشاینده به رسمیت شناخته است که بر اساس آن بانک می‌تواند در صورت عدم ایفای تعهدات متقاضی اعتبار به صورت یک‌جانبه و بدون نیاز به توافق سببی پیشین، نسبت به وصول مطالبات خود از محل کالاهای موضوع اعتبار اسنادی اقدام نماید. از میان دو نظر فوق باید اذعان داشت که نظر اول با مبانی نظام حقوقی ایران سازگارتر می‌باشد مفادا اینکه در نظام حقوقی ایران نظریه‌ای مبنی بر پذیرش وجود اصل آزادی ایقاعات وجود ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۱۹). تا بر اساس آن نظر دوم را به رسمیت شناخت یا عرف قاطعی نیز در این خصوص وجود ندارد تا ایقاع مزبور را به‌طور کامل مورد شناسایی و رسمیت قرار دهد. از این رو، به

نظر می‌رسد که سبب ایجاد وصف خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی شرط وکالت معلق است که با تحقق معلق‌علیه (بدعه‌دی متقاضی اعتبار) بر آن اثر بار می‌گردد و محتوای آن اختیار وکیل در وصول مطالبات خود از محل کالای موضوع اعتبار است.

با عنایت به آنچه بیان گردید سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که آیا ذینفع پس از وقوع معلق‌علیه مالک کالای موضوع اعتبار می‌گردد و لذا می‌تواند همانند مالک هرگونه تصرف مادی یا حقوقی در آن‌ها بنماید یا این که صرفاً وکالت در فروش آن‌ها داشته و حسب توافق، مالک ثمن ناشی از فروش آن‌ها گردد؟ در پاسخ باید گفت اولاً پاسخ این سؤال بستگی به توافق طرفین دارد، لکن اصولاً مفاد شرط نتیجه صرفاً اعطای وکالت در وصول طلب بانک گشاینده از محل کالاهای موضوع اعتبار است که با لحاظ اثر ناشی از محل عقد وکالت که اثری اذنی و تملیکی می‌باشد، قطعاً مالکیت کالای موضوع سند اعتباری به وکیل منتقل نمی‌شود، بلکه صرفاً حق وصول مطالبات خود را از محل کالای مزبور داشته و لذا با عنایت به قاعده مقدمه واجب، واجب است، وکیل یا بانک گشاینده نیز وکالت در واگذاری کالای موضوع سند اعتباری از طریق انعقاد یکی از عقود ناقله نظیر بیع و یا معاوضه و پس وصول مطالبات خود از محل ثمن یا عوض کالای واگذارشده است.

۱-۲. بررسی مفهوم و جایگاه خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی در گستره ضمانت‌نامه‌ها

ضمانت‌نامه‌ها اصولاً به دو طریق استفاده می‌شوند؛ «ضمانت‌نامه‌های عندالمطالبه»^۱ و «اعتبارات اسنادی تضمینی»^۲. اگرچه اختلافاتی بین این دو نوع ضمانت‌نامه وجود دارد، ولی هر دو نوع این ضمانت‌نامه‌ها کارکرد و هدفی یکسان دارند (Jones, Op.Cit: 288).

در یک تقسیم‌بندی کلی اعتبارات اسنادی به تجاری و تضمینی تقسیم می‌شوند (مافی، ۱۳۹۴: ۳۰۵). وجه مشترک تمام اعتبارات اسنادی این است که بانک تعهد می‌کند در مقابل

1. Demand guarantees
2. Standby letter of credit

تقاضای پرداخت وجه که ممکن است به همراه سندی مشخص باشد، نسبت به پرداخت وجه اقدام کند. در اعتبار اسنادی تجاری، اسنادی ارائه می‌شوند که مثبت ایفای تعهدات قراردادی هستند؛ از قبیل سند حمل، بیمه‌نامه، سیاهه تجاری و غیره، ولی در اعتبار اسنادی تضمینی ممکن است به صرف تقاضا و اعلام تخلف از ایفای تعهدات قراردادی، بانک اقدام به پرداخت وجه اعتبار کند یا این که اسنادی که دلالت بر عدم ایفای تعهدات قراردادی باشند را مطالبه کند و سپس پرداخت را انجام دهد (Scheller, 2008: 15). لذا یکی از کارکردهای اعتبارات اسنادی، استفاده از آن به عنوان تضمین است. برخلاف اعتبارات اسنادی تجاری که صرفاً به عنوان روش پرداخت در قراردادهای بیع استفاده می‌شوند، حوزه کاربرد اعتبارات اسنادی تضمینی بسیار گسترده‌تر است و حتی در قراردادهایی که موضوع آنها انجام امری غیرمالی است نیز به کار می‌روند (Jones, 2012: 272). این نوع از اعتبار اسنادی که با عنوان اعتبار اسنادی تضمینی شهرت دارد، کارکردی مشابه ضمانت‌نامه‌های بانکی دارد. (Dole, 1998: 1083). زادگاه اعتبار اسنادی تضمینی، ایالات متحده امریکا است و علت رواج آن در این کشور نیز ممنوعیت بانک‌های آمریکایی از صدور ضمانت‌نامه‌های بانکی بر اساس «قانون بانکداری ملی»^۱ در سال ۱۸۶۴ میلادی است (بناء نیاسری، ۱۳۹۵: ۵۱۹). در تعریف اعتبار اسنادی تضمینی می‌توان گفت: «اعتبارنامه تضمینی، تعهدی است که به موجب آن گشاینده ملتزم می‌گردد، در صورت تخلف متقاضی اعتبار از انجام تعهد پایه، به صرف درخواست ذینفع یا در برابر ارائه اسنادی که بیانگر تخلف متقاضی از انجام تعهد باشد، مبلغی را به ذینفع بپردازد» (بناء نیاسری، پیشین: ۵۲۷).

ساز و کار کارکردی ضمانت‌نامه بانکی و اعتبار اسنادی تضمینی به این صورت است که ابتدا طرفین قراردادی را منعقد می‌کنند و در آن بر استفاده از ضمانت‌نامه بانکی یا اعتبار اسنادی تضمینی توافق می‌کنند. سپس متعهد قرارداد به عنوان ضمانت‌خواه به بانک مراجعه نموده و درخواست صدور ضمانت‌نامه بانکی بر اساس شرایط مورد توافق با طرف دیگر قرارداد می‌کند. بانک پس از توافق با ضمانت‌خواه، اقدام به صدور ضمانت‌نامه بانکی می‌کند که در این

1. National Banking Act

ضمانت‌نامه تعهد می‌کند به محض دریافت درخواست ذینفع اقدام به پرداخت وجه ضمانت‌نامه به وی نماید و ذینفع معمولاً نیازی به اثبات قصور متعهد ندارد و تعهد بانک مبنی بر پرداخت وجه ضمانت‌نامه تعهدی مستقل از قرارداد پایه است (Zhang, 2011: 19)؛ یعنی به‌صرف اعلام ذینفع مبنی بر این که متعهد از ایفای تعهدات قراردادی قصور نموده بانک مکلف به پرداخت وجه ضمانت‌نامه است. البته اسنادی نیز در این خصوص ارائه می‌شوند، ولی این اسناد اصولاً اعلامیه‌ای ساده هستند که دلالت بر قصور متعهد دارند، یعنی به‌صرف اعلام ذینفع، بانک اقدام به پرداخت وجه به وی می‌نماید که همین امر موجب افزایش ریسک عدم بازپرداخت مطالبات بانک می‌گردد (Jones, Op.Cit: 296).

مفاد بند الف ماده ۵ مقررات URDG، بند الف ماده ۴ مقررات UCP، بند الف از قاعده ۰۶-۱ مقررات ISP و ماده ۳ کنوانسیون سازمان ملل راجع به ضمانت‌نامه‌های مستقل و اعتبارنامه‌های تضمینی دلالت بر این دارند که اعتبار اسنادی تضمینی به‌محض صدور تعهدی مستقل ایجاد می‌کند و تعهدات قرارداد پایه ارتباطی به تعهدات ناشی از ضمانت‌نامه ندارد (مسعودی، ۱۳۹۱: ۷۱). به‌عبارت‌دیگر بانک نمی‌تواند با استناد به روابط طرفین از پرداخت وجه ضمانت‌نامه خودداری کند. قاعده فوق که به اصل استقلال شهرت دارد، خود موجد قاعده فرعی دیگری است که بیان می‌کند «اول پرداخت کن، سپس اقامه دعوا کن» (Mantasaari, 2010:366). لذا اصل استقلال، بانک را مکلف می‌کند به محض درخواست ذینفع و صرف‌نظر از این که تعهدات ناشی از قرارداد واقعاً نقض شده یا خیر، وجه ضمانت‌نامه را پرداخت کند. در بازپرداخت مطالبات بانک نیز همین اصل جاری است؛ یعنی پس از این که بانک وجه ضمانت‌نامه را پرداخت نمود و جهت بازپرداخت مطالبات خود به متقاضی ضمانت‌نامه رجوع کرد، متقاضی نمی‌تواند به قرارداد پایه استناد کند و بدین سبب مدعی عدم بدهی خود به بانک گردد و باید قطع نظر اینکه تعهدات خود را در قرارداد پایه انجام داده باشد یا خیر، نسبت به بازپرداخت بدهی خود به بانک اقدام کند. اما برخلاف اعتبارات اسنادی تجاری، بانک برای بازپرداخت مطالبات خود کالایی در وثیقه ندارد تا با فروش

1. First pay, then litigate

آن‌ها مطالبات خود را تصفیه کند (Jones, Op.Cit: 279). زیرا همان‌طور که اشاره شد، وجه ضمانت‌نامه به دلیل عدم اجرای قرارداد پرداخت شده‌است و از طرفی اسنادی که بانک در اختیار دارد معرف مالکیت نسبت به کالا نیست و صرفاً اسنادی است که دلالت بر عدم ایفای تعهدات قراردادی دارد. لذا تنها مجرای بانک برای بازپرداخت مطالبات خود رجوع به متقاضی اعتبار است. همان‌طور که گفتیم پرداخت وجه اعتبار در اعتبارات اسنادی نتیجه اجرای صحیح قرارداد بیع است، حال آنکه در ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبارات اسنادی تضمینی، وجه اعتبار در صورتی پرداخت می‌شود که قرارداد به درستی اجرا نشده باشد. از طرف دیگر، در مواردی ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبارات اسنادی تضمینی برای تضمین تعهدات غیرپولی استفاده می‌شوند. بنابراین در ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبارنامه تضمینی، متقاضی ضمانت‌نامه یا اعتبار، تعهد بر پرداخت یا تعهد بر انجام کاری یا خودداری از انجام کاری را برعهده می‌گیرد و در صورت عدم ایفای تعهد خود، بانک نسبت به پرداخت وجه ضمانت‌نامه اقدام می‌کند. اسنادی که از سوی متعهدله در اختیار بانک قرار می‌گیرند دلالت بر تخلف از تعهدات قراردادی دارند و برخلاف اعتبارات اسنادی دلالت بر مالکیت بر کالای موضوع قرارداد ندارند، لذا بانک امکان به وثیقه گرفتن این‌گونه اسناد را ندارد و در نتیجه برخلاف اعتبارات اسنادی امکان بازپرداخت مطالبات خود را نیز از این طریق مهیا نمی‌بیند (فتحی پور، ۱۳۶۹: ۱۴۶).

در صورتی که متقاضی گشایش اعتبار اسنادی تجاری ورشکسته شود یا به هر دلیلی از پرداخت مطالبات خود به بانک خودداری کند، بانک می‌تواند نسبت به فروش کالای موضوع قرارداد اقدام و مطالبات خود را تصفیه کند، ولی در ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبار اسنادی تضمینی چنین وثیقه‌ای در اختیار بانک نیست، با این توضیح که ذینفع زمانی از ضمانت‌نامه استفاده می‌کند که متقاضی ضمانت‌نامه تعهد خود را اجرا نکرده است، لذا بانک باید وجه ضمانت‌نامه را به ذینفع پرداخته و برای بازپرداخت مطالبات خود به متقاضی ضمانت‌نامه رجوع کند. لذا ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبارات اسنادی تضمینی برخلاف اعتبارات اسنادی تجاری، پس از آن که وجه آن از طرف صادرکننده به ذینفع پرداخت شد قابلیت خودبه‌خود نقد شدن را ندارد؛ یعنی در مقابل آن

مانند اعتبار اسنادی تجاری کالایی وجود ندارد تا بتوان از محل آنها مطالباتی را وصول کرد (قربانیان، ۱۳۹۴: ۲۷۰). لذا ماهیت خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی اعتبار در حوزه ضمانت‌نامه‌ها، اعم از ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبارات اسنادی تضمینی جریان ندارد.

۲. بررسی آثار و وصف خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی

بانک‌ها در صورتی که از حق وثیقه نسبت به کالای موضوع قرارداد برخوردار باشند، قاعداً با خطر کمتری در وصول مطالبات ناشی از اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌های بانکی مواجه خواهند شد. به سبب وضعیت متفاوت حق وثیقه بانک‌ها در اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌های بانکی در این قسمت از پژوهش به بررسی آثار جریان و عدم جریان وصف خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی در اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌های بانکی می‌پردازیم.

۲-۱. آثار وصف خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی در اعتبارات اسنادی

همان‌طور که بحث شد، به سبب حق وثیقه‌ای که بانک نسبت به کالای موضوع قرارداد در اعتبارات اسنادی دارد، وصول مطالبات بانک در این شرایط سهل‌تر است، لکن تنها فرضی که ممکن است، بانک‌ها با خطر عدم بازپرداخت مطالبات مواجه شوند، فرض تقلب است. مطابق اصل استقلال اعتبار اسنادی از قرارداد پایه، تمام طرفین درگیر در فرایند اعتبار اسنادی صرفاً با اسناد سر و کار دارند، نه با کالا یا خدماتی که اسناد به آن مربوط می‌شود. در صورتی که اسناد ارائه شده در ظاهر با شروط تصریح شده در اعتبار تطابق داشته باشند، صرف‌نظر از اختلافات یا ادعاهای مربوط به قرارداد پایه صادرکننده اعتبار مکلف به پرداخت وجه است. در صورتی که بعداً مشخص شود که جعل یا تقلبی محقق شده است، بانک محق است که علیه متقاضی اعتبار طرح دعوا کند. تنها وظیفه صادرکننده اعتبار این است که مراقبت معقول را به عمل آورد تا اطمینان یابد که اسناد ارائه شده در ظاهر با شروط اعتبار تطابق دارند. منشأ پیدایش این اصل عمدتاً تسهیل تجارت از طریق اعتبار اسنادی است. به سبب همین وصف اسناد محور بودن اعتبارات اسنادی، الزامی وجود ندارد که ذینفع اعتبار در هنگام مطالبه وجه اعتبار اثبات کند که تعهدات

خود را در قرارداد پایه به صورت کامل انجام داده است، بلکه صرفاً باید اسناد مطابق با اعتبار را فراهم کند. اصل استقلال به طور قطع برای اعتبار اسنادی ضروری است، اما همین اصل خلاً بزرگی را برای ذینفع‌های فرصت طلب ایجاد می‌کند که از این فرایند سوءاستفاده نمایند. بنابراین اشخاص متقلب و کلاهبردار می‌توانند با توسل به اسناد مجعول یا مزور در اعتبار اسنادی اقدام به تصاحب وجوه دیگران نمایند. اگرچه ردگیری اولین موردی که تقلب در اعتبارات اسنادی به وجود آمده است، امر ساده‌ای نیست، اما این ایده که تقلب می‌تواند قواعد اعتبارات اسنادی را مختل کند در یک پرونده شاخص در رویه قضایی مطرح شد (Buckley and Gao, 2002: 664). در پرونده‌ای^۱ که در سال ۱۷۶۵ در محاکم انگلیس مطرح شد، صادرکننده اعتبار از پرداخت وجه اعتبار با استناد به وقوع تقلب در قرارداد پایه استنکاف نمود. اگرچه محکمه نخستین با استناد به اصل استقلال اعتبار، حکم به پرداخت وجه اعتبار صادر نمود، ولی دادگاه عالی با اعلام نظری مخالف، اقدام به نقض حکم دادگاه نخستین نمود. قاضی مانزفیلد^۲ این‌گونه استدلال نمود که عدم پرداخت با استناد به وقوع تقلب قابل توجیه است. این پرونده که بیش از دو قرن پیش مطرح شده است، مثبت این ادعا است که اقدام متقلبان در حقوق اعتبارات اسنادی قابل تحقق نیست و باید آن را به‌عنوان یک استثنا بر اصل استقلال پذیرفت (Ibid: 668).

در رویه قضایی ایران هم مواردی مشابه وجود داشته است. مطابق دادنامه قطعی شماره ۹۸۰۹۹۷۳۱۳۱۳۰۰۲۸۴ شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، متقاضی اقدام به گشایش اعتبار اسنادی در بانک به مبلغ ۱۰,۳۰۵,۶۸۴ درهم امارات جهت واردات ۵,۸۷۰ متریک تن ذرت از کشور آرژانتین نموده است. وجه اعتبار از طریق بانک کارگزار به ذینفع پرداخت می‌گردد، لکن متقاضی اعتبار از تأمین وجه خودداری نموده است و از ارائه پروانه سبز گمرکی به بانک و رفع تعهدات ارزی خود نیز امتناع نموده است. در جریان رسیدگی به پرونده کاشف به‌عمل آمده است که اساساً کالایی بابت اعتبار اسنادی گشایش شده به کشور وارد نشده و متقاضی اعتبار با ارائه

1. Pillans v. Van Mierop.
2. Lord Mansfield

بارنامه‌های تقلبی اقدام به فریب بانک نموده و پس از تحویل اسناد موفق به نقد کردن اعتبار شده است و چون کالایی وجود نداشته است، لذا حق وثیقه بانک نسبت به کالا نیز عملاً بی‌ارزش شده است و به عبارتی دیگر تقلب مانع تحقق وصف خود به خود نقدشوندگی شده است. بنابراین به سبب این که وصف خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی در اعتبارات اسنادی راهی مؤثر برای وصول مطالبات توسط بانک‌ها باشد، ضروری است بانک‌ها مراقبت‌های لازم را با ارائه راهکارهایی از جمله معرفی شرکت‌های متصدی حمل و شرکت‌های بازرسی معتمد در مرحله انعقاد قرارداد اتخاذ کنند تا تقلب در اعتبار اسنادی در مرحله اجرا محقق نشود.

۲-۲. آثار وصف خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی در ضمانت‌نامه‌ها

همان‌طور که بحث شد برخلاف اعتبارات اسنادی که بانک امکان بازپرداخت مطالبات خود را از طریق فروش کالای موضوع قرارداد بیع دارد، در ضمانت‌نامه‌ها به دلیل این قرارداد اجرانشده است، کالایی وجود ندارد، لذا بانک امکان استفاده از ماهیت خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی را ندارد. از طرف دیگر عدم ایفای تعهدات قراردادی از ناحیه متقاضی ضمانت‌نامه در مقابل متعهدله دلالت بر این می‌تواند داشته باشد که به احتمال زیاد، خواه به دلیل ورشکستگی، خواه به دلایل دیگر متعهد نسبت به ایفای تعهدات قراردادی خود در برابر بانک ضامن نیز اقدام نخواهد نمود. لذا بانک به محض پرداخت وجه ضمانت‌نامه با طلبکاری بدون حق وثیقه یا بدهکاری احتمالاً ورشکسته یا بدحساب مواجه خواهد بود.

در پرونده‌های متعددی، بانک پس از پرداخت وجه ضمانت‌نامه به ذینفع از بازپرداخت مطالبات خود عاجز مانده است. نکته مهم و قابل توجهی که از بررسی پرونده‌های تشکیل شده می‌توان استنتاج نمود این است که عمده مجرمین اقتصادی که قصد اخذ اعتبار با مبالغ کلان و عدم بازپرداخت آن را دارند، ضمانت‌نامه بانکی را به‌عنوان وسیله اخذ وجوه از بانک انتخاب می‌کنند. علت این است که در خصوص تسهیلات بانکی در قالب عقود اسلامی، بانک باید در پرداخت تسهیلات و نحوه مصرف تسهیلات نظارت‌های متعددی را اعمال کند و اطمینان حاصل کند تسهیلات پرداخت شده در محل مصوب مصرف شده‌اند، به همین دلیل عمده شرکت‌ها تمایلی به استفاده از

تسهیلات بانکی ندارند، تا بانک در خصوص نحوه مصرف تسهیلات نظارتی نداشته باشد. در گشایش اعتبار اسنادی نیز بانک از طریق معرفی لیست شرکت‌های متصدی حمل و شرکت‌های بازرسی معتمد بر ترخیص کالا و بازرسی کیفیت آن نظارت دارد، درحالی که در ضمانت‌نامه‌ها به سبب عدم وجود کالا، چنین نظارت‌هایی وجود ندارد. در نظام حقوقی ایران، مطابق قسمت (ی) «در بخش اول مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی شامل مبحث واردات کالا و خدمت» اخذ تعهدنامه کتبی از واردکننده مبنی بر ترخیص و ارائه اصل پروانه ترخیص قطعی کالا در اعتبارات اسنادی ضروری است و بابت تضمین ارائه پروانه ترخیص قطعی کالا، در زمان گشایش اعتبار نسبت به اخذ وثایق کافی معادل ۱۵ درصد وجه اعتبار از متقاضی اخذ می‌شود. همچنین در خصوص بررسی کیفیت کالا و مطابق آن با اعتبار، مطابق بند ۱۱ «مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی - بخش اول - واردات کالا و خدمت» در مورد کلیه کالاهای وارداتی درج شرط ارائه گواهی بازرسی در شرایط اعتبار اسنادی الزامی است، از طرفی مطابق بند ۱ قسمت سوم «مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی - بخش دوم - حمل و نقل کالا، بیمه و بازرسی»، در مورد تمامی کالاهای وارداتی ارائه گواهی بازرسی با توجه به نوع استاندارد کالا الزامی بوده و بایستی مطابق متن گواهی بازرسی مورد قبول و توسط شرکت‌های بازرسی کننده مجاز صادر گردد. مطابق بند ۴ قسمت سوم دستورالعمل فوق نیز انتخاب شرکت بازرسی کننده بر عهده خریدار کالا می‌باشد. به همین سبب ضمانت‌نامه بانکی به یک ابزار ساده برای مجرمین اقتصادی تبدیل شده است که متقاضی ضمانت‌نامه و ذینفع ضمانت‌نامه ابتدا با تبانی یکدیگر اقدام به انعقاد قراردادی صوری نموده و در آن توافق بر استفاده از ضمانت‌نامه می‌نمایند، متعاقباً ذینفع با اعلام تخلف به بانک، اقدام به دریافت وجه ضمانت‌نامه می‌نماید. این در حالی است که بانک هیچ‌گونه نقشی در بررسی قرارداد پایه و نحوه مصرف وجه پرداخت شده ندارد.

در پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۲۲۱۳۰۳۲۳۴ که در مجتمع رسیدگی به جرایم اقتصادی تهران تشکیل شده است، شخصی به‌عنوان متقاضی ضمانت‌نامه اقدام به اخذ ۱۲۰۰ میلیارد تومان ضمانت‌نامه بانکی نموده که در خصوص بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان از این ضمانت‌نامه به دلیل ضعیف بودن وثیقه، بانک امکان بازپرداخت مطالبات خود را از متقاضی اعتبار نداشته است. در این

پرونده متقاضی اعتبار بدو اقدام به انعقاد قراردادهای خرید متعدد با شرکت‌های مختلف نموده و در این قراردادها بین طرفین توافق شده که در صورت عدم پرداخت ثمن قرارداد، ذینفع اعتبار با اعلام تخلف اقدام به وصول وجه ضمانت‌نامه از بانک نماید. به دلیل استقلال ضمانت‌نامه از قرارداد پایه، بانک از بررسی قرارداد پایه استنکاف نموده و در خصوص هر یک از ضمانت‌نامه‌ها به محض دریافت درخواست متقاضی اعتبار اقدام به پرداخت وجه نموده است. در هنگام تصویب اعطای ضمانت‌نامه‌ها، بانک برحسب نوع قرارداد پایه و مبلغ آن وثایقی از متقاضی اعتبار اخذ نموده است. در عمده این ضمانت‌نامه‌ها وثایقی که اخذ شده ترکیبی از وجه نقد، وثایق ملکی و چک و سفته بوده است، ولی عمدتاً رویه به این صورت بوده که صرفاً ۴۰ درصد از وثایق وجه نقد و ملک بوده و ۶۰ درصد مابقی را چک و سفته تشکیل داده‌اند که از نقدشوندگی کمتری برخوردار هستند. از طرفی بانک نسبت به بررسی وضعیت اعتباری متقاضی اقدام ننموده است، به گونه‌ای که در اکثر موارد پس از مدت کوتاهی از افتتاح حساب، بانک اقدام به صدور ضمانت‌نامه نموده است. بر اساس نظریه کارشناس رسمی دادگستری که در دادسرا به عمل آمده است، عمده قراردادهای پایه منعقد شده صوری بوده‌اند. از این رو، ملاحظه می‌شود که نقیب در اینجا در حوزه قراردادهای پایه رخ داده است و احقاق حق بانک را با چالشی جدی مواجه ساخته است.

در پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۲۲۲۳۰۰۰۲۹ نیز که در مجتمع رسیدگی به جرایم اقتصادی تهران در خصوص بدهی‌های کلان و قدیمی برخی شرکت‌ها به بانک تشکیل شده است، کاشف به عمل آمده از سال ۱۳۷۷ تاکنون ۲۳ شرکت دارای بیشترین میزان بدهی معوق به شعبه مرکزی یکی از بانک‌ها می‌باشند و میزان اصل مطالبات بازپرداخت نشده ۲۰۰۰ میلیارد تومان است. در میان این ۲۳ شرکت عمده بدهی‌هایی که قابلیت وصول نداشته‌اند مربوط به ضمانت‌نامه‌های بانکی هستند که برخی از این شرکت‌ها بعد از دریافت ضمانت‌نامه اعلام ورشکستگی نموده‌اند، در خصوص برخی از شرکت‌ها نیز کاشف به عمل آمده بین متقاضی ضمانت‌نامه و ذینفع ضمانت‌نامه تبانی صورت گرفته و انعقاد قرارداد پایه یکی از ابزارهای متقلبانه جهت بردن اموال بانک بوده است. بر اساس تحلیلی که توسط کارشناسان در این پرونده صورت گرفته علت عدم امکان بازپرداخت وجه ضمانت‌نامه‌ها ضعیف بودن وثایق عنوان شده است.

با بررسی و تحلیل پرونده‌های فوق و پرونده‌های مشابه که تعداد آن‌ها در سال‌های اخیر رو به فزونی است، این نتیجه حاصل می‌شود که در برخی موارد انعقاد قراردادهای پایه و توافق بر استفاده از ضمانت‌نامه بانکی صرفاً یکی از مقدمات نقد کردن ضمانت‌نامه‌ها بوده است و متقاضی ضمانت‌نامه و ذینفع در اخذ ضمانت‌نامه و نقد کردن آن با یکدیگر تباری کرده‌اند، به‌گونه‌ای که در پاره‌ای از موارد شرکت متقاضی ضمانت‌نامه و شرکت ذینفع تحت گروه شرکت خاصی بوده و اصطلاحاً ذینفع واحد تلقی می‌شوند. به نظر می‌رسد یکی از شگردهای اصلی مجرمین در پرونده‌های مشابه انعقاد قراردادهای پایه صوری و توافق بر صدور ضمانت‌نامه است، حال در صورتی که بانک بدون در نظر گرفتن چنین ریسکی اقدام به صدور ضمانت‌نامه با وثایق ضعیف و بدون اعتبارسنجی مناسب نماید در بازپرداخت مطالبات خود با مشکلات جدی مواجه خواهد شد.

در تعدادی از پرونده‌هایی که در سال ۲۰۱۶ در دادگاه‌های کشور انگلیس نیز مطرح شده است^۱، در صورت بروز تقلب دادگاه‌ها حکم به عدم پرداخت وجه ضمانت‌نامه صادر نموده‌اند. در این پرونده‌ها تصریح شده است که اگرچه در اعتبارات اسنادی تضمینی، در صورت ارائه اسناد منطبق، بانک مکلف به پرداخت وجه اعتبار است و نمی‌تواند با توسل به قرارداد پایه از پرداخت استنکاف کند، اما دادگاه‌ها می‌تواند به درخواست بانک مبنی بر وقوع تقلب رسیدگی کرده و دستور عدم پرداخت وجه اعتبار را صادر کنند.

در ضمانت‌نامه‌های بانکی به سبب این که بانک کالایی را به عنوان وثیقه در اختیار ندارد، پس از این که وجه ضمانت‌نامه را به ذینفع پرداخت نمود، برای بازپرداخت مطالبات خود باید به متقاضی اعتبار رجوع کند، لذا بانک در بازپرداخت مطالبات خود با خطر بیشتری مواجه است. از طرف دیگر چون وجه ضمانت‌نامه به صرف اعلام ذینفع پرداخت می‌گردد، امکان سوءاستفاده از ضمانت‌نامه‌های بانکی بسیار زیاد است (Jones, Op.Cit: 282). همین امر سبب شده برخی

1. National Infrastructure Development Co. Ltd. v. BNP Paribas [2016] EWHC 2508 (the BNPP Case); National Infrastructure Development Co. Ltd. v. Banco Santander S.A. [2016] EWHC 2990 (the Santander Case); Petrosaudi Oil Services (Venezuela) Ltd v. Novo Banco S.A. [2016] EWHC 2456 (the Novo Banco Case)

اشخاص سودجو با انعقاد قرارداد پایه صوری و توافق بر استفاده از ضمانت‌نامه اقدام به فریب بانک نموده و بانک‌ها را با ریسک جدی افزایش مطالبات معوق مشکوک‌الوصول مواجه نمایند (Op.Cit: 367 (Mantasaari,) برای حل این مشکل معمولاً بانک‌ها برخی از راهکارهای ذیل را اتخاذ می‌کنند تا خطر بازپرداخت نشدن مطالبات ناشی از ضمانت‌نامه‌ها را کاهش دهند.

الف؛ اعتبارسنجی مناسب متقاضی ضمانت‌نامه: طرفین قرارداد در دادوستدهای بین‌المللی معمولاً از وضعیت اعتباری یکدیگر شناخت کافی ندارند. اگرچه بانک برای شناخت وضعیت اعتباری مشتری خود نسبت به اشخاص عادی در جایگاه بهتری قرار دارد، اما به‌هرحال این ساز و کار موجب می‌شود بانک در بازپرداخت مطالبات خود با شخصی مواجه شود که از وضعیت اعتباری او شناخت کافی ندارد. لذا اولین اقدام بانک هنگام صدور ضمانت‌نامه باید اعتبارسنجی مناسب مشتری باشد. بانک‌ها در مقام اعتبارسنجی مشتری معمولاً نسبت به بررسی وضعیت حساب‌های بانکی وی و نحوه بازپرداخت مطالبات سابق او اقدام می‌کنند. اما این اقدام به‌تنهایی کافی نیست، زیرا بانک‌های ایران دسترسی به سامانه جامعی برای بررسی وضعیت کلیه بدهی‌های اشخاص ندارند. برای حل این مشکل نهادهای ویژه‌ای تعیین شده‌اند که به «نهادهای تأیید اطلاعات»^۱ یا «مؤسسات گزارش اعتبار و اعتبارسنجی»^۲ شهرت دارند و یکی از مهم‌ترین اقداماتی که انجام می‌دهند احراز اعتبار و شهرت تجاری اشخاص و خصوصاً مشتریان تازه‌وارد بانک‌ها می‌باشد (Mann, 1999: 2226)، اگرچه بانک‌های ایران در مواردی از خدمات این مؤسسات استفاده می‌نمایند، اما دسترسی این مؤسسات به بانک‌های اطلاعاتی با محدودیت‌هایی مواجه است.

ب؛ اخذ وثایق کافی: همان‌طور که گفتیم در ضمانت‌نامه‌های بانکی به دلیل فقدان ماهیت خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی، بانک برای بازپرداخت وجهی که به ذینفع پرداخت کرده باید به متقاضی ضمانت‌نامه مراجعه کند. بانک‌ها در زمان صدور ضمانت‌نامه از متقاضی وثایقی را اخذ

1. Verification institutions
2. Credit Reporting & Credit Rating Agencies

می‌کنند، اما چنانچه در بررسی رویه قضایی نتیجه گرفتیم، در برخی موارد وثایق اخذشده ناکافی هستند و بانک را در بازپرداخت مطالبات با چالش مواجه می‌کنند. لذا بانک‌ها در هنگام صدور ضمانت‌نامه باید خطر بالای عدم بازپرداخت مطالبات خود را در نظر بگیرند و وثایقی اخذ کنند که اولاً نقدشوندگی آن به سهولت امکان‌پذیر باشد، ثانیاً میزان وثایق اخذشده با امعان نظر به سود و خسارات متعلقه برای بازپرداخت کل مطالبات کافی باشد.

ج؛ اخذ تعهدنامه توثیق سپرده: گفتیم که یکی از کارکردهای ضمانت‌نامه فراهم نمودن اجرای هم‌زمان تعهدات قراردادی است. در برخی موارد ذینفع صرفاً به این دلیل از متقاضی ضمانت‌نامه درخواست اقدام برای صدور ضمانت‌نامه می‌کند که اطمینان حاصل کند در صورتی که طرف قرارداد اقدام به نقض قرارداد نمود، بلافاصله بتواند مبلغ معینی را از بانک دریافت کند و خود را با شخصی عادی مواجه نکند. در این صورت، ضمانت‌نامه‌ها معمولاً برای مدت زمان کوتاهی صادر می‌شوند و مدت آن‌ها کمی بیشتر از مهلت ایفای تعهدات قراردادی است. در این حالت معمولاً متقاضی ضمانت‌نامه مهلتی نیز جهت بازپرداخت مطالبات خود ندارد و بلافاصله پس از این‌که بانک وجه ضمانت‌نامه را به ذینفع پرداخت نمود، متقاضی باید نسبت به بازپرداخت مطالبات بانک اقدام کند. در این موارد شایسته است بانک‌ها در هنگام اخذ وثایق خود را با چالش مواجه نکنند و مشابه رویه‌ای که در اعطای تسهیلات مورد استفاده قرار می‌گیرد، از متقاضی «تعهدنامه توثیق سپرده»^۱ به میزان وجه ضمانت‌نامه دریافت نمایند تا در صورت وصول وجه ضمانت‌نامه بانک این امکان را داشته باشد که از محل سپرده متقاضی نسبت به برداشت وجه ضمانت‌نامه اقدام نماید.

د: نظارت بر صوری نبودن قرارداد پایه: به دلیل اصل استقلال ضمانت‌نامه از قرارداد پایه، بانک‌ها قاعداً تکلیفی به بررسی تعهدات قراردادی طرفین در قرارداد پایه ندارند و به صرف اعلام

۱. کارکرد تعهدنامه توثیق سپرده به این صورت است که متقاضی در بانک خود دارای سپرده می‌باشد و در هنگام اخذ تسهیلات، از مشتری تعهدنامه‌ای اخذ می‌شود که بر اساس آن حساب مشتری به میزان تسهیلات مسدود شده و در صورت عدم بازپرداخت اقساط، بانک بتواند از محل سپرده مسدود شده نسبت به تسویه مطالبات خود اقدام نماید.

ذینفع مبنی بر این که متقاضی نسبت به نقض قرارداد اقدام نموده است، اقدام به پرداخت وجه ضمانت‌نامه می‌کنند (kono, hiscock, & reich, 2017: 46). اما بانک‌ها گستره اصل استقلال را تا حدی افزایش داده‌اند که هیچ‌گونه تحقیقی در خصوص صوری بودن قرارداد پایه انجام نمی‌دهند. مسئولیت بانک‌ها محدود است (مواد ۱۱ تا ۱۴ مقررات URDG)، اما بانک‌ها در صورت قصور از اقدام مبتنی بر حسن نیت و مراقبت معقول، مسئول تلقی می‌شوند (ماده ۱۵ مقررات URDG). همین امر خلأ مهمی را برای مجرمین اقتصادی به وجود آورده تا با ارائه قراردادی صوری و تبانی بین متقاضی و ذینفع، اقدام به وصول وجه ضمانت‌نامه نمایند (Jones, Op.Cit: 239). این‌گونه فریب بانک تا حدی ادامه داشته است که در برخی موارد شخصی اقدام به ثبت دو شرکت نموده و با یکی در لوای متقاضی اعتبار و با دیگر در لوای ذینفع ظاهر شده و با ارائه قراردادی صوری بین این دو شرکت، اقدام به وصول ضمانت‌نامه از بانک می‌نماید و بانک در زمان بازپرداخت مطالبات، خود را با قراردادی صوری، وثائقی ناکافی و شرکت‌هایی فاقد اعتبار مواجه می‌بیند. اگرچه به علت صراحت مقررات و عرف شکل‌گرفته نمی‌توان اصل استقلال را نادیده گرفت، اما بانک‌ها در در زمان صدور ضمانت‌نامه باید در مورد صوری بودن قرارداد تحقیق نمایند. لذا با توجه به ریسک زیادی که قراردادهای صوری و تبانی طرفین برای بانک‌ها به وجود می‌آورد، شایسته است بانک‌ها از طریق کارشناسان مربوط حداقل بررسی نمایند، قرارداد منعقدشده صوری است یا خیر. یکی از امارات مهمی که در احراز صوری بودن قرارداد می‌توان از آن بهره برد این است که شرکت متقاضی و شرکت ذینفع تحت گروه شرکت واحد باشند و به اصطلاح ذینفع واحد تلقی شوند. یکی دیگر از اماراتی که دلالت بر سوءاستفاده از بانک با استفاده از قرارداد صوری دارد، این است که به فاصله کمی پس از صدور ضمانت‌نامه وجه آن مطالبه شود. (Ibid.284)

ه؛ قابل استفاده نبودن ضمانت‌نامه در مقابل سایر بانک‌ها: گفتیم که اعتبار اسنادی تضمینی کارکردی مشابه ضمانت‌نامه‌های بانکی دارد. در اعتبار اسنادی تضمینی، این امکان وجود دارد که بانک دیگری به جز بانک صادرکننده اعتبار امکان پرداخت وجه ضمانت‌نامه را داشته باشد. در صورتی که ذینفع قصد وصول وجه ضمانت‌نامه را از طریق بانک دیگری داشته باشد، این امر امکان کنترل اسناد را کاهش می‌دهد. بنابراین توصیه می‌گردد در صورتی که بانک صادرکننده

اعتماد کامل به متقاضی اعتبار تضمینی ندارد، امکان استفاده از اعتبار در مقابل سایر بانک‌ها را منتفی کند. در این حالت بانک صادرکننده با احتیاط بیشتری اقدام به کنترل اسناد نموده و احتمال سوءاستفاده را کاهش می‌دهد. همچنین در صورتی که اعتبار در مقام استفاده قابل قبولی باشد، بانک صادرکننده در هنگام قبول برات کنترل خود را نسبت به اعتبار از دست می‌دهد. لذا در این خصوص نیز توصیه می‌گردد در صورت عدم اعتماد به متقاضی اعتبار در مقابل قبولی قابل استفاده نباشد. (Ibid: 285)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری:

بر اساس مطالبی که در این پژوهش بحث شد، نتایج ذیل را می‌توان اخذ نمود:

نخست اینکه یکی از مهم‌ترین مشکلات طرفین در داد و ستدهای بین‌المللی اجرای هم‌زمان تعهدات قراردادی است. گفتیم که در قراردادهای بیع بین‌المللی رایج‌ترین روش پرداخت ثمن استفاده از اعتبار اسنادی است که در آن ریسک عدم‌پرداخت بر عهده بانک قرار گرفته و بانک ملاحظه اسناد معین‌شده در متن اعتبار وجه آن را به ذینفع پرداخت می‌کند و برای بازپرداخت آن به متقاضی اعتبار رجوع می‌کند. ساز و کار اعتبار اسنادی تجاری به‌گونه‌ای که اسناد معرف مالکیت کالا به‌عنوان وثیقه در اختیار بانک است و بانک می‌تواند از طریق این اسناد نسبت به بازپرداخت مطالبات خود اقدام کند که البته به این ماهیت اعتبار اسنادی تجاری، خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی اعتبار گویند. ثانیاً در حوزه ضمانت‌نامه‌های بانکی (اعم از ضمانت‌نامه‌های بانکی عندالمطالبه و اعتبار اسنادی تضمینی) به دلیل این که به‌صرف اعلام ذینفع مبنی بر این که متقاضی تعهدات قراردادی خود را ایفا نکرده، بانک اقدام به پرداخت وجه ضمانت‌نامه می‌نماید و به همین دلیل کالایی در اختیار ندارد تا از طریق آن بتواند نسبت به بازپرداخت مطالبات خود اقدام کند؛ به‌عبارت‌دیگر برخلاف اعتبار اسنادی تجاری، ماهیت خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی در ضمانت‌نامه‌های بانکی جریان ندارد. ثالثاً به دلیل فقد ماهیت خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی در ضمانت‌نامه‌های بانکی، بازپرداخت مطالبات بانک با ریسک بیشتری روبه‌روست. در این میان سوءاستفاده برخی اشخاص از طریق تبانی با یکدیگر و ارائه قراردادی صوری موجب افزایش این ریسک شده و این خلأ در عمل موجب شده عده‌ای ضمانت‌نامه بانکی را به‌عنوان یکی از ابزارهای فریب بانک انتخاب کنند و بانک را با خطر جدی عدم‌امکان بازپرداخت مطالبات خود در ضمانت‌نامه‌های بانکی مواجه کنند.

بر اساس مطالبی که در این پژوهش بحث شد، پیشنهادهاتی را بدین گونه می‌توان ارائه نمود که با توجه به ریسک بالای عدم بازپرداخت مطالبات بانک پس از پرداخت وجه ضمانت‌نامه، بانک‌ها از طریق مؤسسات اعتبارسنجی یا کارشناسان متخصص بدو نسبت به اعتبارسنجی

مشتری اقدام نمایند. با توجه به تفاوت اعتبار اسنادی تجاری با ضمانت‌نامه‌های بانکی از حیث فقدان وصف خودبه‌خود تصفیه‌شوندگی پیشنهاد می‌گردد بانک‌ها وثایق قوی‌تری را از متقاضی اخذ نمایند و در صورت امکان با توجه به این‌که در برخی موارد علت استفاده از ضمانت‌نامه بانکی صرفاً اطمینان خاطر ذینفع از اجرای تعهدات توسط متقاضی است و از ضمانت‌نامه به‌عنوان ابزار تأمین مالی استفاده نمی‌گردد، پیشنهاد می‌گردد در این موارد بانک‌ها تعهدنامه توثیق سپرده از متقاضی اخذ نمایند. همچنین ضروری است بانک‌ها حداقل بررسی را در خصوص صوری نبودن قرارداد به عمل آورند تا خود را مواجه با تبانی اشخاص نبینند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ:

الف: مقررات:

۱. دستورالعمل ناظر بر ضمانت‌نامه‌های بانکی (ریالی) مصوب ۱۳۹۶/۰۷/۲۵ شورای پول و اعتبار
۲. کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (۱۳۹۱)، «مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP 600)»، ترجمه محمد صالح ذوقی، چاپ ششم، انتشارات جنگل، کمیته ایرانی اتاق بازرگانی.
۳. کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (۱۳۹۳)، «مقررات متحدالشکل تعهد پرداخت بانکی (URBPO)»، ترجمه فریدون شیرازی، چاپ دوم، انتشارات جنگل، کمیته ایرانی اتاق بازرگانی.
۴. کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (۱۳۹۶)، «مقررات متحدالشکل ضمانت‌نامه‌های عندالمطالبه (URDG 758)»، ترجمه فریده تذهیبی، چاپ پنجم، انتشارات جنگل، کمیته ایرانی اتاق بازرگانی.
۵. مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی - بخش اول - واردات کالا و خدمت، شماره ۹۶/۹۱۲۷۴ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۹.
۶. مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی - بخش دوم - حمل و نقل کالا، بیمه و بازرسی، شماره ۹۶/۹۱۲۷۴ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۹.

ب: کتب و مقالات

فارسی

۷. بناء نیاسری، ماشاءاله، (۱۳۹۵)، حقوق اعتبارات اسنادی، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
۸. بناء نیاسری، ماشاءاله، (۱۳۹۶)، حقوق تعهدات پرداخت بانک، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.

۹. دریس کول، ریچارد جی، (۱۳۶۳)، «نقش اعتبارنامه‌های تضمینی در تجارت بین‌المللی»، ترجمه محسن محبی، مجله حقوقی، شماره ۱، صفحات ۱۱۷ تا ۱۸۰.
۱۰. السان، مصطفی، (۱۳۹۵)، حقوق بانکی، چاپ چهارم، انتشارات سمت.
۱۱. سلطانی، محمد، (۱۳۹۵)، حقوق بانکی، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
۱۲. شیروی، عبدالحسین، (1398)، حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. صادقی، محسن و سلیمان‌زاده، سمیرا، (۱۳۹۶)، «مقایسه ابعاد حقوقی اعتبارات اسنادی و تعهد پرداخت بانکی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۷، شماره ۴، صفحات ۶۴۷ تا ۶۶۶.
۱۴. فتحی پور، علی، (۱۳۶۹)، «ضمانت در معاملات بین‌المللی»، مجله حقوقی، شماره ۱۳، صفحات ۱۲۹ تا ۱۸۲.
۱۵. قربانیان، حسین، (۱۳۹۴)، حقوق اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌های بانکی، چاپ اول، انتشارات قانون و قلم.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۶)، اعمال حقوقی (قرارداد-ایقاع)، چاپ بیست و یک، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، قواعد عمومی ایقاع، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.
۱۸. لنگریج، رینهارد، (۱۳۹۰)، اعتبارات اسنادی در حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه سعید حسنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
۱۹. مافی، همایون و محسن‌زاده، احمدعلی، (۱۳۹۴)، «مقایسه اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی در حقوق تجارت بین‌الملل»، مطالعات حقوقی تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱، صفحات ۳۰۱ تا ۳۲۳.
۲۰. مسعودی، علیرضا، (۱۳۹۱)، ضمانت‌نامه‌های بانکی در حقوق ایران و تجارت بین‌الملل، چاپ دوم، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

21. Buckley, Ross P; Gao, Xiang, Development of the fraud rule in letter of credit law: The Journey so far and road ahead, 2 U. PA. J. INT'L L. 663 (2002).
22. Bhogal, T. S., & Trivedi, A. K. (2008). *International Trade Finance*. Palgrave; Macmillan.
23. Dole, R. J. (1998). «The Essence of a Letter of Credit under Revised UCC Article 5: Permissible and Impermissible Non-documentary Conditions Affecting Hono». *Houston Law Review* 1079, 1083.
24. Hunt, John Patrick, «Credit Rating Agencies and the «Worldwide Credit Crisis»: The Limits of Reputation, The Insufficiency of Reform, and Proposal for Improvement», 2009, Columbia Business Law Review 109.
25. ICC Uniform Rules for International standby practice.
26. Jones, S. A. (2018). *Trade and Receivables Finance*. West Midlands, UK : Palgrave; Macmillan.
27. Kono, t., hiscock, m., & reich, a. (2017). *Transnational Commercial and Consumer Law*. Kyuwhu university; Springer.
28. Mann, R. J. (1999). «Verification Institutions in Financing Transactions. *Georgetown Law Journal*», Vol. 87, 2226-2276.
29. Mantasaari, P. (2010). *The Law of Principles and EU Law, Volume 2: Contracts in General*. Finland: Springer.
30. Scheller, Michael J. (2008), *A Guide to International Trade and Letter of Credit*, New york.
31. UNITED CONVENTION ON INDEPENDENT GUARANTEES AND STANDBY LETTER OF CREDIT.
32. Zhang, Yanan (2011), *Approaches to Resolving the International Documentary Letters of Credit Fraud Issue*, University of Eastern Finland.

رویه قضایی

33. National Infrastructure Development Co. Ltd. v. BNP Paribas (2016) EWHC 2508 (the BNPP Case).
34. National Infrastructure Development Co. Ltd. v. Banco Santander S.A. (2016) EWHC 2990 (the Santander Case).
35. Petrosaudi Oil Services (Venezuela) Ltd v. Novo Banco S.A. (2016) EWHC 2456 (the Novo Banco Case).

Principle of Self-liquidation in the Range of Letter of Credit and Bank Guarantees (A Comparative study in Iranian Law and in International Commercial Procedure)

Majid Hosein Zadeh¹
Mojtaba Mohammadi²

Abstract

The manner of payment and guaranty of obligations is of paramount importance in international contracts, and in international transactions, it is rare to find a contract that does not have a condition on the manner of payment and guaranty.

In this regard, commercial letter of credit is considered as one of the most common types of payment strategies in international contracts. Bank guarantees and stand-by letter of credit are also the most common strategies to ensure fulfillment of contractual obligations and in both the bank plays an important and active role.

In commercial letter of credit, the goods in question are given to the bank as collateral and the bank can sell them if the applicant fails to make the payment. However, the letter of guarantees may not include goods, hence the bank is deprived of the privilege of collecting its claims through the sale of goods. As a result, the bank runs the risk of not receiving its claims.

This feature, in which the bank is able to reimburse its claims through selling goods that are the subject of the sale contract, may be called «principle of self-liquidation».

What will be examined in this article is the position and nature of this principle in letter of credit and the effects that flow from it.

Key words: *commercial letter of credit, standby letter of credit, bank guaranty, self-liquidation.*

1. PhD in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran,
(Email:hoseinzadeh1989@gmail.com)

2. PhD student in International Business and Investment Law, Shahid Beheshti University,
(Email: mohammadi279@yahoo.com)

ابعاد و کاربردهای دانشنامه‌ای مقاله

منتخب منابع قابل استفاده در پرونده علمی

- ۱- بناء نیاسری، ماشاءاله، (۱۳۹۵)، حقوق اعتبارات اسنادی، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- ۲- بناء نیاسری، ماشاءاله، (۱۳۹۶)، حقوق تعهدات پرداخت بانک، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- ۳- دریس گول، ریچارد جی، (۱۳۶۳)، «نقش اعتبارنامه‌های تضمینی در تجارت بین‌المللی»، ترجمه محسن محبی، مجله حقوقی، شماره ۱، صفحات ۱۱۷ تا ۱۸۰.
- ۴- السان، مصطفی، (۱۳۹۵)، حقوق بانکی، چاپ چهارم، انتشارات سمت.
- ۵- سلطانی، محمد، (۱۳۹۵)، حقوق بانکی، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- ۶- شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۸)، حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
- ۷- صادقی، محسن و سلیمان‌زاده، سمیرا، (۱۳۹۶)، «مقایسه ابعاد حقوقی اعتبارات اسنادی و تعهد پرداخت بانکی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۷، شماره ۴، صفحات ۶۴۷ تا ۶۶۶.
- ۸- فتحی پور، علی، (۱۳۶۹)، «ضمانت در معاملات بین‌المللی»، مجله حقوقی، شماره ۱۳، صفحات ۱۲۹ تا ۱۸۲.
- ۹- قربانیان، حسین، (۱۳۹۴)، حقوق اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌های بانکی، چاپ اول، انتشارات قانون و قلم.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۶)، اعمال حقوقی (قرارداد-ایقاع)، چاپ بیست و یکم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، قواعد عمومی ايقاع، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.
- ۱۲- لنگریچ، رینهارد، (۱۳۹۰)، اعتبارات اسنادی در حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه سعید حسنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- ۱۳- مافی، همایون و محسن‌زاده، احمدعلی، (۱۳۹۴)، «مقایسه اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی در حقوق تجارت بین‌الملل»، مطالعات حقوقی تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱، صفحات ۳۰۱ تا ۳۲۳.
- ۱۴- مسعودی، علیرضا، (۱۳۹۱)، ضمانت‌نامه‌های بانکی در حقوق ایران و تجارت بین‌الملل، چاپ دوم، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش

کد مقاله

LAW-2104-1071

دانشنامه‌های مرتبط

۱- حقوق بانکی؛ ۲- حقوق اسناد تجاری

مدخل‌های مرتبط قابل استخراج

۱. اعتبار اسنادی تجاری
۲. اعتبار اسنادی تضمینی
۳. ضمانت‌نامه بانکی
۴. خودبده خود تصفیه‌شوندگی

مدخل‌های فرعی قابل استفاده در تدوین مدخلها

- ۱- مفهوم و جایگاه خودبده خود تصفیه‌شوندگی
- ۲- مفهوم و جایگاه خودبده خود تصفیه‌شوندگی در گستره اعتبارات اسنادی
- ۳- مفهوم و جایگاه خودبده خود تصفیه‌شوندگی در گستره ضمانت‌نامه‌ها
- ۴- آثار وصف خودبده خود تصفیه‌شوندگی
- ۵- آثار وصف خودبده خود تصفیه‌شوندگی در اعتبارات اسنادی
- ۶- آثار وصف خودبده خود تصفیه‌شوندگی در ضمانت‌نامه‌ها

قانون یا مواد قانونی مرتبط

- ۱- ماده ۲ «مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی
- ۲: ماده ۹ مقررات UCP600؛ ۳- بند الف ماده ۵ مقررات URDG؛ ۴- بند الف ماده ۴ مقررات UCP؛
- ۵- ماده ۳ کنوانسیون سازمان ملل راجع به ضمانت‌نامه‌های مستقل و اعتبارنامه‌های تضمینی؛
- ۲- ماده ۱۵ مقررات URDG